

انتخابات آزاد و عادلانه شد!

محمد اعظمی

در جمهوری اسلامی انتخابات هیچگاه آزاد نبوده است. از انتخابات مجلس هفتم به این سو، فضای رقابت سیاسی برای برخی از نیروهای حاکم نیز در قیاس با دوره های پیش بسته تر شد، تا بدان حد که اکثریت بسیار بالائی از اصلاح طلبان حکومتی نتوانستند در انتخابات مشارکت نمایند. مجموعه شرایط داخلی و بین المللی، این انتظار را در دل اصلاح طلبان نشانده بود که امکان باز شدن فضا برای مشارکت آنان در رقابت مهیا می شود، تا جناح های حاکمیت دست در دست هم بتوانند مردم را به پای صندوق ها کشانده مشارکت حداکثری را تامین کنند. مشارکتی که بیش و پیش از آنکه مردم داخل کشور مد نظر باشد، در این دوره به خارج نقل مکان کرده مصرف خارجی پیدا کرده است.

اما برخورد شورای نگهبان خواب از چشم اصلاح طلبان ربود و آنان را به واکنش تند کشاند. جبهه مشارکت با رد صلاحیت مصطفی معین بالا فاصله انتخابات را "انتخاباتی غیر آزاد، ناعادلانه، غیر رقابتی و در یک کلام نمایشی" دانست که امنیت و منافع ملی را به شدت به مخاطره می اندازد. بر این اساس "در روندی که متضمن محو جمهوریت نظام و انکار نقش مردم خواهد بود، وارد نخواهد شد و در چنین انتخاباتی شرکت نخواهد کرد" جبهه مشارکت "تنها شرط" خود را برای شرکت در انتخابات، حضور دکتر معین ذکر کرده است. تیغ شورای نگهبان چنان عریان و خذف دیگران تا بدان اندازه تنگ نظرانه و خشک مغزانه بود که جناح راست نیز زبان به اعتراض گشود.

رئیس مجلس حداد عادل در یک مانور ماهرانه برای برگرداندن معین دست به دامان رهبر شد. رهبر نیز با حکم حکومتی دستور بازگشت معین و علیزاده را به عرصه رقابت انتخاباتی صادر نمود. شورای نگهبان نیز لیبک خود را چنین بیان داشت: "در امتثال نظرولاتی

آن مقام شریف صلاحیت آقایان مصطفی معین و محسن علیزاده اعلام می گردد" و بدین ترتیب وضعیت دشوار و نامناسب اصلاح طلبان، پیچیده تر شد. بسیار بعید است اصلاح طلبان این حکم حکومتی را نپذیرند. در آن حالت من فکر می کنم بازنده اصلی این صحنه، اصلاح طلبان خواهند بود. به این دلایل:

اول اینکه نماینده اصلاح طلبان یعنی آقای مصطفی معین با پا در میانی رئیس محافظه کار مجلس و حکم حکومتی رهبر به میدان انتخابات راه یافته است. اگر حتی در این رای گیری پیروز شود - که بسیار بعید و خلاف تمام داده های کنونی است - حکم حکومتی را چون شمشیر دموکلس بر بالای سر خود دارد. استفاده و تأیید این حکم، راه را بر هر اقدام و عملی که مخالف تمایل "رهبری" باشد، خواهد بست. با رئیس مجلس و "مجلس فرمایشی" هم در افتادن دشوار می شود. نمی شود نمک رئیس مجلس را خورد و نمکدان او را به سادگی شکست. حکم حکومتی که دیروز مورد نقد مصطفی معین و نزدیکانش بود، امروز توسط علی شکاری راد و خانم الهه کولایی رئیس ستاد انتخابات و سخنگوی او تدبیری رهگشا می شود. حکمی که قادر است امروز معین را به میدان انتخابات بفرستد، بسیار سهل تر و توجیه پذیر تر می تواند او را از کرسی ریاست جمهوری به زیر کشد. افزون بر این با این حکم مرئی، هزاران تار نامرئی بر دست و پا و زبان تنیده می شود. این در شرایطی است که بر نفس اینگونه احکام خود کامانه و روش های قرون وسطائی چشم فرو بندیم.

دوم بر اساس تمام اخبار و اطلاعاتی که در نشریات و رسانه های مستقل از حکومت منتشر شده است و حتی نظر سنجی های خود حکومت، میزان مشارکت مردم در انتخابات بسیار پائین است. تهدید وزیر اطلاعات دولت خاتمی و برابر دانستن تحریم با براندازی، برای کشاندن مردم به پای صندوق ها از طریق چماق بدین خاطر صورت گرفته است. در چنین فضائی پیروزی نماینده اصلاح طلبان دشوار به نظر می رسد. در این حالت اصلاح طلبان هم از کرسی رئیس جمهوری بی نصیب می مانند و هم با شعارهایی که علیه مجلس فرمایشی و راه یافتگان به مجلس و حکم حکومتی داده اند، دست خود را برای مردم به عنوان نیروئی که حرف های بی پشتوانه می زنند هر چه بیشتر بازمی کنند. نتیجه این می شود که هم امروز خود را از دست می دهند و هم آخرت خود را. به احتمال زیاد به عنوان نیروئی بدون آینده از گردونه تحولات به بیرون پرت شده بازگشت دشواری خواهند داشت.

سوم اصلاح طلبان در این بازی انتخابات نقش خود را همان نقش مردم پنداشته و نماینده خود را نماینده و

معرف جمهوریت نظام دانسته اند. آنها رد مصطفی معین را "محو جمهوریت نظام و انکار نقش مردم" اعلام کرده اند. از اینرو به باور آنان با تأیید مصطفی معین، هم حضور مردم و هم جمهوریت نظام تأمین شده است!! با چنین سخنان و ادعاهائی، جدا از اینکه بر کتفه نظرات خود روشنی تابانده اند، دست خود را برای مردم و سایر نیروهای خذف شده در انتخابات از جمله بخش دیگری از اصلاح طلبان باز کرده اند.

چهارم پس از شکست فضاقت بار اصلاح طلبان در انتخابات شورای شهر و مجلس هفتم، این نیرو کوشیده است نشان دهد که هم در پیشبرد اصلاحات قاطع تر و هم در توجه به حقوق مردم دموکرات تر شده است. شرایط به شکلی پیش رفته است که امروز آنان مجبور شده اند که خودشان پوچی ادعاهای خود را فریاد کنند. اگر زمانی می بایست طی شود که دست خاتمی برای مردم پس از انتخابش رو شود، دست آقای معین قبل از قدرت باز شد. آقای معین و احزاب حامی او فقط به حذف خود اعتراض دارند. حتی اعتراضی خشک و خالی به حذف دیگر کاندیداها، که همگی در حفظ نظام با آنها هم کلام و هم نظراند، نکردند. به حذف زنان در حالی ایراد نمی گیرند که برای فریب کاری خانم الهه کولایی را به سخنگویی برگزیده اند تا بتوانند رای این نیروی عظیم بیش از ۵۰ درصدی کشورمان را به کیسه خود بریزند. این انتخابات هر چه بیشتر برای مردم ایران آشکار کرد که اصلاح طلبان غم قدرت خود را دارند اما به نام مردم، به کام خود سخن گفته و قلمفرسائی می کنند. محافظه کاران چه طبق نقشه و هماهنگ و چه به صورت غیر هماهنگ دست رقیب خود را در این انتخابات رو کردند و نشان دادند که درگیری آنها برای سهم شیر است. مردم در این میان بهانه اند.

برخی از ناظران سیاسی بر این نظرند که همه این حرکات برای گرم کردن تنور انتخابات صورت گرفته است. آنان بعید می دانند که رهبر جمهوری اسلامی پیشا پیش نظر خود را با منصوبان خود در میان نهد. گرچه دقیق کردن این مساله برای شناخت بهتر دغلکاری های حاکمان مفید است اما در اصل مساله که جناح های اصلی برای کشاندن مردم به پای صندوق ها از هیچ ترفندی فروگذار نمی کنند، تفاوتی ایجاد نمی کند. آنچه که بیش از هر چیز اهمیت دارد درک این مساله است که هدف اصلی حکومت در این انتخابات، مشارکت حداکثری مردم در آن برای نشان دادن مشروعیت خود به جهانیان است تا هم امنیت داخلی خود را حفظ کند و هم از طریق این مشروعیت و پشتیبانی مردمی، قدرت چانه زنی برای سازش با خارج را بالا برد.

بقیه در صفحه ۶